

نیروی دریایی راهبردی و عملیاتی سازی عملیات روانی استراتژیک

حسین مینایی^۱

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران دارای موقعیت ممتازی در خلیج فارس، دریای عمان است. این موقعیت ممتاز همواره مدنظر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. نیروی دریایی ایران که با درایت فرماندهی معظم کل قوا به‌عنوان نیروی دریایی راهبردی مطرح گردید، در حال حاضر تا مدار ۱۰ درجه شمالی و حضور در آب‌های آزاد اجرای مأموریت می‌نماید. از آنجایی که نیروی دریایی یکی از ابزارهای مهم قدرت نظامی است و قدرت نظامی یکی از مؤلفه‌های اصلی منافع ملی محسوب می‌گردد، می‌تواند در مأموریت‌های خود با عملیاتی‌سازی عملیات روانی استراتژیک، ضمن ایجاد زمینه قدرت در منطقه، منافع ملی کشور را نیز توسعه دهد.

در این مطالعه سعی می‌شود فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران با مد نظر قرار دادن ماهیت نیروی دریایی مورد بررسی قرار گیرد بنابراین هرچند که قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای منافع ملی خود را در حضور قدرتمندان در قلمرو نفوذ ایران دنبال می‌کنند، اما جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با در اختیار داشتن دو گذرگاه استراتژیک جهان (تنگه هرمز حدفواصل جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک) و دسترسی مناسب به دریا و نیز برخورداری از نیروی دریایی راهبردی و با اجرای عملیات روانی استراتژیک بسیاری از معادلات سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی در منطقه را به نفع خود رقم زند و اهداف ملی را محقق سازد.

واژگان کلیدی:

نیروی دریایی، عملیات روانی استراتژیک، قدرت، منافع ملی

مقدمه:

در دنیای امروز، دریا برای ملت‌ها، عامل مهم زندگی است و هیچ کشور ساحلی نیست که منافعی در دریا نداشته باشد. مردمی که از دریا دور هستند، فاقد مهم‌ترین روزه‌های ارتباطی با دنیای خارج خود هستند. این وابستگی تمام زوایای زندگی انسانها و حکومت‌ها را در بر می‌گیرد. بنابراین کارکردهای دریا در رشد و زوال ملت‌ها نقش موثری دارد یکی از این کارکردها کارکرد نظامی و به طبع آن عملیات مختلف دریایی است که از سوی نیروی دریایی کشورهای مختلف انجام می‌شود

امروزه عملیات دریایی و حضور نیروی دریایی بازیگران طراز اول نظام بین‌الملل در آبهای بین‌المللی و منطقه‌ای اثر مهمی در تحقق منافع ملی این کشورها دارد در این بین منطقه خاورمیانه به دلیل دارا بودن عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک در کانون توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. این مسئله بیش از پیش منافع و اعتبار هژمونیک جمهوری اسلامی ایران را خدشه‌دار می‌کند بنابراین نیروی دریایی راهبردی و نقش آن در پیاده‌سازی عملیات روانی استراتژیک در جهت مقابله با تهدیدهای حاصل از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در مناطق نفوذ ایران اهمیت بیشتری دارد. در حال حاضر گسترش مأموریت نیروی دریایی در آب‌های آزاد و حضور مؤثر در صحنه دفاع از منافع ملی در خلیج عدن و تنگه باب‌المندب مؤلفه راهبردی بودن نداجا را ایجاد و باعث شده است توجه دشمن از تنگه هرمز به تنگه باب‌المندب تغییر جهت دهد و به اصطلاح، دانسیته آمریکا در منطقه مجاور آب‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران کاهش یابد. (طحانی، ۱۳۸۸: ۷۴)

توان بالقوه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در راستای حضور در دریای عمان و اقیانوس هند، توفیق بسیار ارزشمندی است که اگر این حضور با اهداف راهبردی و با در نظر گرفتن تهدیدات همیشگی کشورهای استکباری و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای صورت گیرد، علاوه بر ابعاد امنیتی، دفاعی، بازدارندگی در بعد عملیات روانی نیز پیروزی‌های مستمری را برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت. حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه و برنامه‌ریزی راهبردی و درازمدت آن‌ها برای حضور در منطقه نقش‌آفرینی بیشتر، جمهوری اسلامی ایران را ترغیب می‌کند، تا حضور آن‌ها را کم اثر و در برخی مواقع بی‌اثر نماید. از طرفی در جامعه خود نوعی اطمینان به نفس و خود باوری را ایجاد نماید. هدف این مقاله هم همان‌طور که از عنوان آن پیدا است، تحلیل عملیاتی‌سازی عملیات روانی استراتژیک و نیروی دریایی راهبردی است. برای این‌که بدانیم چرا عملیات روانی استراتژیک،

دسترسی به دریا و قدرت دریایی مهم است؟ و کشورهای صاحب قدرت چه دیدگاهی به قدرت دریایی، دریای عمان و اقیانوس هند دارند؟ ابتدا به مطالبی پیرامون موضوعات بالا اشاره شده است و سپس به عملیات روانی استراتژیک پرداخته شده است. در این راستا قابلیت‌ها و کاربردهای قدرت دریایی برای تامین منافع ملی غیر قابل اغماض است این کاربردها که شامل عملیات نظامی (نمایش قدرت و کنترل دریایی) عملیات انتظامی یا پلیسی (عملیات حفظ صلح- عملیات برعلیه دزدان دریایی- کمک نظامی به نیروها و وزارتخانه‌های غیرنظامی) عملیات امدادی و صلح‌جویانه (کمک‌های انسان‌دوستانه و امدادی- عملیات برای ایجاد صلح و آرامش- عملیات جستجو و نجات- کمک نظامی به نهادهای غیرنظامی- کمک به کشورهای خارجی و مشترک‌المنافع) است، (طحانی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۵) که در ارتقاء جایگاه استراتژیک ایران در نظام بین الملل موثر می‌باشد

مبانی نظری

نیروی دریایی راهبردی در اراء و عقاید سیاستمداران

از مؤلفه‌هایی که موجب شد نیروی دریایی راهبردی تلقی شود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نقش نیروی دریایی در توسعه اقتصادی و تجارت، اثرگذاری نیروی دریایی در تامین منافع ملی، نقش نیروی دریایی در خنثی کردن تهدیدات دشمن، عامل بازدارندگی نیروی دریایی، توان حضور در آب‌های دوردست، موفقیت نیروی دریایی در خلیج عدن و تنگه باب‌المندب، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و برخورداری کشور از ساحل مناسب با در نظر گرفتن مولفه‌های فوق‌مهمترین عاملی که موجب شد نیروی دریایی در ایران به سطح راهبردی ارتقاء پیدا کند، موضع‌گیریهای مقام معظم رهبری در همین راستا بود مقام‌عظمای ولایت در مهرماه سال ۱۳۸۸ در مراسم اعطای سردوشی و دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری آجا در دانشگاه علوم دریایی حضرت امام خمینی (ره) چنین فرمودند: نیروی دریایی در بسیاری از نقاط عالم و در کشور ما یک نیروی راهبردی است و باید به چشم یک نیروی راهبردی به نیروی دریایی نگریسته شود. (طحانی، ۱۳۸۸: ۵۸)

راهبرد دسترسی به دریا

دریا از دیدگاه نظامی و تجاری، نقش بسیار مهمی در قدرت و توانایی کشور در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات ایفا می‌کند. دستیابی به قدرت و سیادت دریایی می‌تواند کشورها را در حفظ امنیت مرزهای آبی و نیز ارتقاء توان اقتصادی و سیاسی یاری نماید. این مسئله موجب گردیده تا کشورهایی که به آب‌های آزاد دسترسی داشته و یا دارای مرز آبی مشترکی با دیگر کشورها هستند، بتوانند در شکل‌گیری اتحادهای بین‌المللی اثرگذار باشند و قدرت دریایی را عاملی در جهت کسب و اعمال قدرت سیاسی تبدیل نمایند و نیز در جهت رسیدن به قدرت و سیادت دریایی تلاش نمایند و در این راستا برنامه‌ریزی‌های عظیم و منسجمی پیش‌بینی و به اجرا در آوردند. (طحانی، ۱۳۸۸: ۷۳)

موقعیت هر کشور در وضعیت قدرت آن کشور مؤثر است. موقعیت یک کشور تنها از حیث اقلیمی حائز اهمیت نیست، بلکه از نظر دسترسی به دریاها و رودخانه‌ها و ذخایر انرژی نیز دارای اهمیت است. موقعیت جغرافیایی مشخص می‌کند که یک کشور در ردیف قدرت‌های دریایی است یا زمینی، و آیا از امتیازات ساحلی بودن برخوردار است یا نه. کشورهایی که مرز دریایی دارند و دریا آن‌ها را احاطه کرده است، کمتر از کشورهایی که دارای مرزهای باز هستند در معرض خطر هستند. (روشندل، ۱۳۸۸: ۷۴)

کشورهای قدرتمند، توسعه کشور خود را بر میزان دسترسی خود به دریا منطبق می‌دانند. دریا محوری افق دیدگاه استراتژیک قدرت‌های بزرگ است. کشور جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن دو گذرگاه استراتژیک جهان و مرز آبی وسیع، دسترسی بسیار خوبی به خصوص از طریق دریای عمان به آب‌های آزاد دارد.

بدیهی است وقتی یک متغییر جغرافیایی به این شکل ساختار قدرت در نظام بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌دهد لاجرم نمی‌تواند عاری از نظریه‌پردازی‌های سیاسی و فلسفی باشد. در همین راستا در زمینه نوع و میزان بهره‌برداری از دریا نظریه‌پردازی‌های زیادی صورت گرفته است که از محدوده بررسی این مطالعه خارج است بنابراین در اینجا فقط مختصراً به دیدگاه پرداخته می‌شود

الف- واقع گرایی و قدرت

واقع گرایی، سیاست بین الملل را از منظر قدرت بررسی می نماید. باور انسان شناسانه نظریه واقع گرایی این است که انسان، بالفطره موجودی شرور، قدرت طلب و بدبین است. واقع گرایی مانند مورگنتا^۱ (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۶۳) معتقدند سیاست بین الملل، کشمکش بر سر قدرت است و قدرت رابطه ای روانی میان کسانی است که قدرت را اعمال می کنند یا قدرت بر آن ها اعمال می شود. در عرصه روابط بین الملل، قدرت رابطه ای میان دولت هاست.

رفتار دولت های قدرتمند نیز بیشتر تحت تأثیر محیط بیرونی آن ها می باشد. از این رو، نظام بین الملل، این دولت ها را و می دارد تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند؛ زیرا این تنها راه مطلوب برای به حداکثر رساندن امنیت است. به عبارتی دولت ها، اگر بخواهند بخت بقای خود را افزایش دهند، باید قدرت بیشتری به دست آورند. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۳۱)

به گمان واقع گرایان، منافع دولت ها تابعی از میزان قدرت آن هاست. به عبارتی منافع ملی فقط در چارچوب قدرت تعیین می گردد. مورگنتا بر این باور است که تغییر در کیفیت و کمیت قدرت دولت ها، دامنه منافع آن ها را دستخوش دگرگونی خواهد ساخت. بدون تردید کشوری که شاخصه های قدرت آن افزایش یابد منافع خود را وسیع تر از گذشته تعریف خواهد کرد. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۳۲)

به تعبیر مرشایمر: «جست و جوی قدرت به آن معناست که قدرت های بزرگ در پی یافتن فرصت هایی برای تغییر نحوه توزیع قدرت جهانی به نفع خود می باشند. آن ها اگر قابلیت های لازم را داشته باشند، این فرصت ها را به چنگ خواهند آورد» (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳). و قدرت افکنی عبارت از کاربرد محدود قدرت نظامی از سوی دولت مردان برای رسیدن به هدف های سیاسی در خارج از سرزمین اصلی. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۳۲)

ب- جایگاه قدرت نظامی در قدرت ملی

قدرت یک عامل اساسی سیاست است. هانس مورگنتا می گوید: (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۴۷) کشمکش برای کسب قدرت امری جهانی است که محدود به زمان و مکان نیست و این امر واقعیت غیر قابل انکار تجربی است. حال اگر این تعریف را در مورد قدرت بپذیریم که قدرت: توانایی دارنده زور برای به کارگیری آن در تحمیل اراده خود به دیگران حتی به صورت

^۱ - Hans Morgentha

خشونت‌آمیز است، قدرت نظامی که بیشترین ابزار زور را در اختیار دارد، عمده‌ترین عنصر در قدرت ملی محسوب می‌شود. قدرت نظامی نه تنها همه منابع مهم قدرت را در خود دارد، بلکه تمام ابزارهای تحمل قدرت را هم با، جامعیت فوق العاده و اثر بخش، در اختیار دارد) گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۱۷).

عملیات روانی

عملیات روانی عبارت است از کلیه اقدامات و اعمال سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و نظامی برنامه‌ریزی شده‌ای است که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه‌های هدف (دوست، بی طرف، دشمن) و برای دستیابی به هدف‌های ملی طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد. (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۸)

نزدیک‌ترین تعریف به محتوای مقاله حاضر تعریف پل لاینبرگ است. وی (در سال ۱۹۵۴) در خصوص جنگ روانی می‌نویسد: جنگ روانی، استفاده از تبلیغات ضد دشمن، همراه با اقدامات عملی است که ماهیت نظامی، اقتصادی یا سیاسی دارد. (سلطانی فر ۱۳۸۲: ۱۲۰)

تعریف عملیات روانی استراتژیک

این عملیات نوعی از عملیات روانی است که با استفاده از آسیب‌پذیری‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و روانی بر علیه بخشی یا تمام جمعیت یک کشور به کار گرفته می‌شود.

در وزارت دفاع آمریکا عملیات روانی استراتژیک این‌گونه تعریف شده است: «فعالیت‌های اطلاعاتی بین‌المللی که سازمان‌های دولتی ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر رفتارها، باورها و نگرش‌های خارجی در راستای اهداف و منافع ایالات متحده انجام می‌دهند. این برنامه‌ها عمدتاً خارج از حیطه نظامی‌اند ولی می‌توانند از امکانات وزارت دفاع استفاده کنند و مورد پشتیبانی عملیات روانی نظامی قرار گیرند. عملیات روانی نظامی که دارای تأثیرات استراتژیک بالقوه است باید با تلاش‌های ملی، هماهنگ باشد». (شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵)

در آمریکا عملیات روانی استراتژیک به منظور تأثیر بر نگرش‌ها، ادراکات و رفتار مهاجمان خارجی و در راستای تحقق اهداف و مقاصد اجراکنندگان آن، صورت می‌گیرد. این نوع عملیات روانی عمدتاً از بیرون از قلمرو نظامی، طراحی و اجرا می‌شود، اما برای دستیابی به اهداف خود، معمولاً از امکانات وزارت دفاع (جنگ) بهره می‌گیرد و اغلب از حمایت و پشتیبانی یگان عملیات روانی نیروهای مسلح نیز برخوردار است. اقدامات عملیات روانی

ارتش آمریکا، با توجه به تأثیر استراتژیک، باید با سایر امکانات و تلاش‌های ملی هماهنگ شود. در غیر این صورت قادر به تحقق اهداف و مقاصد عاملان عملیات روانی نخواهد بود.

بحث و بررسی

بکارگیری قدرت دریایی در جمهوری اسلامی ایران

هر کشوری که خواهان عظمت در صحنه بین‌المللی و امنیت در چارچوب مرزهای ملی خود باشد، راهکاری جز تقویت قدرت دریایی (جنگی - تجاری) ندارد (ازغندی، ۱۳۷۴: ۱۷۳). گستردگی مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران باعث افزایش عمق راهبردی کشور گردیده است و بدیهی است که عمق راهبردی هر کشور در دریا عینیت پیدا می‌کند و هر کشوری که به دریای آزاد ارتباط داشته باشد، هم تهدید دارد و هم فرصت. برای مثال در زمان بروز بحران‌های دریایی و کاهش امنیت مسیرهای مواصلات دریایی، شرکت‌های بیمه افزایش قیمت را اعمال و از این طریق فشار اقتصادی را به کشورهای مورد نظر تحمیل می‌کنند. در این جاست که اگر نیروی دریایی ج.ا. حضور مؤثر داشته باشد، این ترفند برای ایران خنثی می‌شود. با توجه به گستردگی مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران در جنوب، تهدیدات آینده کشور ما در ابعاد فرامنطقه‌ای نیز دریا پایه پیش‌بینی می‌شوند. لذا با توجه به مؤثرتر بودن پاسخ به تهدیدات در دریا، تقویت قدرت دریایی از اولویت‌های کشور می‌باشد. (طحانی، ۱۳۸۸: ۵۷)

در حال حاضر نمایش قدرت دریایی از شکل سخت تقریباً خارج شده و ثنوری در حال توسعه قدرت نرم بر این تکیه دارد که نمایش قدرت لزوماً به کارگیری نیروهای نظامی به صورت عامل در جنگ اطلاق نمی‌گردد، می‌توان از امکانات موجود برای نمایش قدرت به صورت دوگانه استفاده نمود. در زلزله سال ۲۰۰۴ در اقیانوس هند نیروهای نظامی کشورهای مختلف برای مردم‌یاری و ارایه کمک‌های انسان‌دوستانه در منطقه مستقر شدند. همه کاربردهای قدرت دریایی در عملیات امدادی و صلح‌جویانه از نوع نمایش قدرت دریایی از جنس نرم است. توان یک کشور در به کارگیری نیروهای خود در داخل یک منطقه ممکن است به عنوان یک اهرم سیاسی عمل کند و ضمن اثرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری به عنوان یک عامل بازدارنده و بالقوه بر رفتار سایر کشورها عمل نماید. (طحانی، ۱۳۸۸: ۷۱)

نیروی دریایی قدرتمند و مؤثر موجب افزایش قدرت نظامی کشور می‌گردد. قدرت نظامی یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی است که ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند. ارتقاء قدرت ملی یک کشور، ارتقاء سطح منافع و امنیت ملی و کاهش سطح تهدیدات ملی را در پی دارد. برای درک بیشتر این موضوع آگاهی از مفاهیم و مطالب زیر ضروری است. چنانچه نظریه‌پردازان آمریکایی معتقدند که نیروی دریایی در اکثر دوره‌های تاریخی از بازوهای بلند امپراطوری‌ها محسوب می‌گردید و ما این سنت را در قرن بیست و یکم نیز تحمیل خواهیم کرد.

قدرت‌های مختلف همواره در تلاش هستند با تهیه رهنامه‌ها، راهبردها، سیاست‌های خود را طوری برنامه‌ریزی کنند که در دراز مدت کلیه خواسته‌های ملت و دولت خود را در همه ابعاد، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی پیش‌بینی نمایند و راهکارهای مناسبی را برای دستیابی به اهداف تبیین شده، تدوین نمایند. این قدرت‌ها در رهنامه‌های خود به‌طور واضح، نقش‌آفرینی و به رسمیت شناختن قدرتشان در مجامع جهانی و افزایش قدرت چانه‌زنی خود را حضور قدرتمند در منطقه اقیانوس هند و دریای عمان اعلام نموده‌اند. با این نگرش در زیر به استراتژی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و ارتباط قدرت‌طلبی آن‌ها با حضورشان در مناطق نفوذ ایران، اشاره می‌کنیم.

۱- آمریکا

در طول ۲۲۷ سال گذشته، سیاست‌های آمریکا از بی‌طرفی مطلق تا اقدام نظامی یک‌جانبه (جنگ پیش‌گیرانه) در هر مکان و هر زمان تغییر یافته است. تکامل این سیاست‌ها نشان می‌دهد که قدرت کمی و کیفی آمریکا هم‌زمان با جهانی شدن، رو به تزاید گذاشته است. در این مدت هشت رهنامه‌ی امنیت ملی در آمریکا اعلام و اعمال شده است. این رهنامه‌ها شامل سخنرانی جرج واشنگتن، رهنامه‌ی مونروئه، اعلامیه سرنوشت، درهای باز، موازنه‌گر ساحلی، سد نفوذ، آزادسازی، و جنگ پیش‌گیرانه می‌باشد. (بلوچی، ۱۳۸۷: ۱۵)

در اوایل قرن بیستم رهنامه سیاست درهای باز برای نفوذ و توسعه منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا در همه دنیا مطرح شد. تحقق این هدف مستلزم ایجاد یک نیروی دریایی قوی بود که به پیشنهاد ماهان ژئوپلیتسین معروف آمریکا عملی شد. آمریکا با اعمال این سیاست تلاش کرد، با تلفیق ابزارهای نظامی و اقتصادی درهای آسیا را به روی خود باز کند تا به این ترتیب موازنه‌ای با اروپا فراهم آورد. اعزام نیروی دریایی به نقاط دور و احداث کانال پاناما

تلاش‌های در همین راستا ارزیابی شده‌اند. پس از حادثه یازده سپتامبر آمریکا ره‌نامه جنگ پیش‌دستانه مبارزه طولانی علیه تروریست‌ها و حامیان آن‌ها را مطرح کرد. بنا به اظهارات بوش، آمریکا نمی‌تواند منتظر ضربه اول دشمنانش باشد، بلکه با اقدام به جنگ پیش‌دستانه باید تهدیدهای ناشی از آن‌ها را پاسخ دهد و پیش از آن‌که تهدید عملی شود، آمریکا باید آن را خنثی کند (bush,2002:20)

در سال ۲۰۰۶ وزارت دفاع آمریکا گزارش راهبردی خود را تنظیم نمود. این گزارش در راستای مقابله با تهدیدهای غیرمؤثر و همچنین در راستای آینده‌نگری دفاعی تنظیم شده بود. موضع ایالات متحده آمریکا را در مقابله با مسائل و چالش‌های استراتژیک این‌گونه بیان کرده است: «آمریکا تصمیم گرفته است تا چالش‌های فراروی خود را به‌گونه‌ای سریع برطرف سازد. ما نمی‌خواهیم چنین چالش‌هایی را برای نسل‌های بعدی بگذاریم، به‌جای آن‌که منتظر بمانیم تا دشمنانمان به کشورمان برسند، ما در خارج از مرزهای خود با آنان خواهیم جنگید. آمریکا اجازه نخواهد داد تا تهدیدات علیه امنیت ملی کشورش گسترش یابد.» (بوش ۱۳۸۶: ۱۶).

نگرش جورج بوش در طرح‌ریزی دفاع ملی آمریکا برای سال‌های دهه اول قرن بیست‌ویکم، مبتنی بر دفاع متحرک می‌باشد. این امر به مفهوم آن است که واحدهای سیاسی چالش‌گر با اقدامات مستقیم و تهاجمی آمریکا روبرو خواهند شد. در این رابطه، رامسفلد تأکید داشت که بهترین شکل دفاع، حمله است. بر مبنای این راهبرد آنان تلاش داشتند تا تهدیدها را به فرصت تبدیل نمایند. جنگ افغانستان و عراق به‌عنوان زمینه‌ای برای انجام اقدامات تهاجمی علیه کشورهایمانند ایران، سوریه و کره شمالی محسوب می‌شد. (متقی، پائیز ۱۳۸۷: ۴۳)

۲- روسیه

ره‌نامه سیاست خارجی روسیه در کنار سایر جهت‌گیری‌های عمده و راهبردی، در پی پیاده‌سازی یک ایده کلی، یعنی بازیابی توان راهبردی روسیه و بازگشت این کشور به صحنه جهانی به‌عنوان یک قدرت غیرقابل انکار جهانی است. در حقیقت ظهور مجدد قدرت جهانی روسیه، هدف نهایی همه راهبردهایی است که در دوره ریاست جمهوری پوتین آغاز گردید و در دوره مدودف ادامه یافت. در این ره‌نامه بر شکل‌گیری روابط راهبردی میان چین و روسیه

تأکید شده و نگاه به شرق به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی روسیه قلمداد گردیده است. همچنین تمایل روسیه برای مشارکت در حل منازعه‌های گوناگون از جمله افغانستان، مسئله هسته‌ای ایران، مناقشه‌های خاورمیانه و درگیری‌های عراق و اسرائیل در جای جای این سند تجلی یافته است. (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۶۴)

رویکرد متفاوت روس‌ها در تحلیل محیط جهانی، موجب طرح محورهای جدید از سوی آنان گردیده است که زمینه‌ساز تغییر در سیاست خارجی روسیه به شمار می‌روند. اهم محورهای مطرح شده به شرح زیر می‌باشد:

۱- جهان در آستانه تغییراتی پویا و بنیادی است. به بیان دیگر، روس‌ها بر این باورند که نقاط عطف راهبردی در عرصه جهانی که موجب تغییر بنیادی در جهان معاصر می‌شوند، قریب‌الوقوع هستند.

۲- روسیه نقشی تمام عیار در امور جهانی بر عهده دارد. در واقع این برداشت به سبب افزایش نقش روسیه در مذاکرات جهانی و حضور این کشور در سازمان‌های معتبر بوده است. در نگاهی دیگر به بازی گرفته شدن روسیه در عرصه جهانی و مشارکت فعالانه‌تر روسیه در تصمیم‌گیری جهانی حاصل حضور روسیه در باشگاه غربی‌ها بوده است. در سند اخیر برخی از موفقیت‌های ناشی از حضور روسیه در عرصه جهانی به رخ کشیده شده است که البته این دستاوردها، هدف‌گذاری اصلی آمریکا در طراحی راهبرد برای رویارویی با مسکو بوده است. (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۶۵)

در رهنامه جدید روسیه که در سال ۲۰۱۰ به امضای مدودف رسید، چند عامل اصلی را مبانی تشکیل دهنده محیط نظامی سیاسی دهه‌ی آتی قلمداد نموده است. از جمله:

۱- عوامل زیست محیطی و انرژی دلایل و انگیزه‌های اصلی درگیری‌های نظامی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده خواهند بود.

۲- شکاف عظیم میان استانداردهای زندگی ثروتمندان و بقیه‌ی دنیا، به تروریسم و جنگ همه با همه منجر می‌شود.

در سند سال ۲۰۰۰ روسیه که در پی به‌دست آوردن قدرت منطقه‌ای در اوراسیا بود، حال آن‌که در سند اخیر، خود را بزرگ‌ترین قدرت اوراسیایی خوانده است. (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۶۹)

۳- چین

اکثر تحلیل‌گران سیاسی معتقدند؛ چین بعد از حوزه اقتصادی و تجاری که به سرعت در حال رشد است و بازارهای جهانی را تحت فشار کالاهای با کیفیت‌های متفاوت و قیمت‌های بسیار پایین و گاه غیرقابل رقابت قرار داده است. چین در حوزه سیاست نیز به تدریج خود را آماده تأثیرگذاری در آسیا و جهان می‌کند.

تجربه توسعه اقتصادی و تمرکز قدرت در چین، همزمان است و این مطلبی است که به تدریج دنیای غرب را با خطر زرد رو به رو کرده است. درست به همین دلیل است که چین خود را شریک غرب عنوان می‌کند ولی آمریکا اصرار دارد که چین شریک نیست، بلکه رقیبی خطرناک است و قبل از آن که این قدرت رقیب غیرقابل کنترل شود باید با آن تسویه حساب کرد. علاوه بر آنها آن چه بر دامنه تردیدهای آمریکا از سوی چین افزوده است حوزه نظامی است. چین در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از جنگ الکترونیک در خلیج فارس متوجه شده است که استراتژی نظامی به ارث مانده از راهبردهای بزرگ «مائو» دیگر در شرایط نوین جهانی و پیشرفت حیرت‌آور فن‌آوری تسلیحاتی کارایی ندارد.

چین اخیراً به سمت کسب قدرت نظامی نیز تمایل نشان داده است، تمایلی که با مدرن‌سازی ارتش خود را به اثبات رسانده است و ایالات متحده نیز به این استراتژی آگاهی دارد. (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۷: ۹۴) چین به دلیل دارا بودن مزیت‌های اشاره شده در بالا و همچنین دارا بودن سومین قدرت دریایی و بزرگترین ارتش دنیا از نظر کمی پیشرفته‌ترین موشک‌های کروز و بالستیک مستقر در خشکی در مقابل سایر بازیگران یعنی ژاپن، آمریکا، آسه‌آن، روسیه و هندوستان در جایگاه روشن‌تری ایستاده است. (بلوچی، ۱۳۸۹: ۵)

چین تنها کشوری است که با داشتن همه شاخص‌های قدرت سنتی و مدرن، قدرتی رو به رشد، تأثیرگذار در تحولات منطقه ای و جهانی و وزنه تعادل دهنده قدرت در تمامی ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و تجاری است. این در حالی است که چین در حال صعود از نردبان قدرت جهانی، نقش منطقه‌ای خود را از یاد نبرده است. (ملازهی، ۲۲ مرداد ۱۳۸۴،

۴- هند

هند یک قدرت در حال ظهور است که تلاش خود را به تبدیل شدن به یک قدرت جهانی مبتنی بر توان و رشد اقتصادی معطوف داشته است. این کشور با وجود مشکلاتی در عرصه حکومت‌داری مطلوب، در حال مطرح کردن خود در صف اول تصمیم‌گیران جهانی است. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹ : ۲۸)

مسئولین سیاسی هند معتقدند با گسترش و افزایش قدرت ملی، منافع این کشور نیز افزایش یافته است. به گمان آن‌ها منافع راهبردی هند فراتر از آسیای جنوبی شده است. به همین دلیل آن‌ها خواهان تحکیم پیمان‌های دفاعی با کشورهای آسیایی، حوزه خلیج فارس و خاورمیانه هستند. نیروی دریایی هند نقش مهمی را در این روند ایفا می‌کند. در واقع نیروی دریایی هند یک مؤلفه کلیدی برای ابتکارات سیاست خارجی هند است. از سال ۲۰۰۵ نیروی دریایی هند جای پای خود را در حوزه‌های راهبردی دریایی در اقیانوس هند و فراسوی آن تحکیم کرده است. در این سال نیروی دریایی هند از ۴۵ بندر در ۳۰ کشور اروپایی، خلیج فارس، دریای سرخ، اقیانوس هند و دریای چین جنوبی بازدید کرد.

اعزام نیروی دریایی هند برای مقابله با دزدان دریایی سومالی گامی مهم در راستای قدرت‌افکنی هند در فراسوی مرزهای این کشور محسوب می‌شود. نیروی دریایی هند بهترین ابزار این قدرت افکنی است. اقدام هند برای ایفای نقش در خلیج عدن به معنای کنترل دسترسی به کانال سوئز به‌عنوان مسیر حیاتی‌تأمین انرژی است. هند چهارمین قدرت دریایی جهان است، نقش مهمی در منطقه ایفا می‌نماید و منطقه دریای عمان را منطقه عملیاتی خود می‌داند. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹ : ۵۲)

چشم‌انداز نیروی دریایی هند برای ۲۵ سال اول قرن ۲۱ به لحاظ جغرافیایی، شامل یک هلال از خلیج فارس تا تنگه مالاکا^۱ می‌باشد که دولت دهلی‌نو باید بتواند در این پهنه جغرافیایی، منافع خود را مورد پیگیری قرار دهد. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹ : ۳۶)

ایجاد پیوند مابین موارد ذکر شده بالا و مأموریت‌های نیروی دریایی راهبردی یکی از عناصر اصلی قدرت نظامی (در ایجاد قدرت ملی) و عملیات روانی استراتژیک است. ورود ناوگان دریایی ایران در آب‌های آزاد به معنای ورود به عرصه عملیات روانی است. مأموریت‌های نیروی دریایی راهبردی از جمله سیادت دریایی، نمایش قدرت دریایی و حضور

۱- Malaka این تنگه یکی از شانزده گذرگاه استراتژیک جهان می‌باشد.

در آب‌های آزاد با اهداف عملیات روانی استراتژیک پیوند عمیقی دارد و ماهیتاً عملیات روانی را دنبال می‌کنند. به تعبیر مقام معظم رهبری حضور نیروی دریایی در آب‌های اقیانوس هند و دریای سرخ به معنای انتقال فرهنگ ایرانی در آن مناطق است، ورود به آب‌های آزاد دور دست هرچند که مخفیانه صورت گیرد، اگر اثرات رسانه‌ای هم نداشته باشد، ولی اثرات امنیتی و نظامی آن برای کشورهایی که تمامی فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران، خصوصاً فعالیت نظامی آن را رصد می‌نمایند، حائز اهمیت می‌باشد. چنانکه عبور ناوگان دریایی ایران از دریای سرخ و حضور در بندر لاذقیه، نگرانی اسرائیلی‌ها را در پی داشت، تلاش رژیم صهیونیستی و فشار به مقام‌های سیاسی مصر برای جلوگیری از عبور این ناوگان از کانال سوئز گواهی بر این مدعاست.

به تعبیر دریادار سیاری فرمانده نیروی دریای ارتش جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی از حضور ایران در آب‌های آزاد عصبانی است (روزنامه ایران ص ۲ مورخه ۹۰/۵/۵). به عقیده نویسنده نه تنها رژیم صهیونیستی بلکه آمریکا، انگلیس، عربستان، امارات و برخی کشورهای اروپایی، نیز عصبانی هستند. با این نگرش در می‌یابیم که ذات حرکت نیروی دریایی در آب‌های آزاد عملیات روانی را به دنبال دارد. جهت بسط این موضوع موارد زیر، مرتبط با عملیات روانی را به اجمال شرح داده می‌شود

عملیات روانی استراتژیک و حمایت از دیپلماسی عمومی

این سطح از عملیات روانی به اهمیت اقدامات عملیات روانی نمی‌پردازد بلکه بر حوزه جغرافیایی آن متمرکز است. عملیات روانی استراتژیک اگر جهانی نباشد، دست کم باید فرمانطقه‌ای باشد. اگر عامه مردم کشور مبدأ جزء مخاطبان باشند، اطلاعات فراهم شده توسط منابع نظامی باید از دیپلماسی عمومی یا امور عمومی پشتیبانی کند.

دکترین مشترک فعلی تعریف می‌کند که چگونه فرماندهان نظامی می‌توانند طرح‌های خود را توسعه دهند، نیروها را سازماندهی کنند و عملیات روانی را در حوزه تاکتیکی و عملیاتی هدایت کنند. با این همه، دکترین مشترک نمی‌تواند، روش‌های مطمئنی را برای تلفیق عملیات روانی در سطح ملی با سازمان‌های دولتی دیگری که مسئول فعالیت‌های اطلاعاتی هستند؛ عرضه کند. (سبیلان، ۱۳۸۲: ۱۹)

امروزه فرماندهان رده‌های بالا در همه کشورها به خوبی از اهمیت عملیات اطلاعاتی، به‌ویژه عملیات روانی آگاه هستند و این نوع عملیات را ابزاری کلیدی در شکل‌دهی و کنترل جنگ‌های اطلاعاتی می‌دانند. فرماندهان کل و فرماندهان نیروی ویژه مشترک با استفاده از نیروی عملیات روانی، عموماً در استفاده از عملیات روانی در سطوح عملیاتی و تاکتیکی موفق بوده‌اند. اما تاریخ نشان داده است که تلفیق طرح میدان نبرد با فعالیت‌های اطلاعاتی در سطح ملی و توانایی آماده‌سازی ظرفیت‌های اطلاعاتی بین سازمان‌ها، کار بسیار دشواری است. این دشواری باعث می‌شود، قلمرو و مسئولیت‌پذیری اقدامات عملیات روانی استراتژیک در میدان نبرد کاسته شود و در نهایت، کارایی فعالیت‌های اطلاعاتی، تاکتیکی و عملیاتی از بین برود. (سبیلان، ۱۳۸۲: ۲۰)

دکترین مشترک و مفهوم برنامه‌ریزی متمرکز و غیرمتمرکز، به فرماندهان کل امکان می‌دهد تا عملیات اطلاعاتی استراتژیک را به بهترین نحو برنامه‌ریزی کنند تا شانس پیروزی در میدان نبرد را افزایش دهند و از عملیات نظامی پشتیبانی کنند. (حسینی، ۱۳۷۳: ۲۲)

انواع و ویژگی‌های عملیات روانی استراتژیک

عملیات روانی بر حسب آن‌که در زمان صلح و یا جنگ اجرا گردد، یا از حیث دامنه و گستردگی جهت زیر پوشش قرار دادن افراد یا گروه‌های هدف طرح‌ریزی شود و یا زمینه‌های مورد بهره‌برداری، دارای سه نوع تقسیم بندی مهم است. البته این عملیات دارای تقسیم بندی‌های دیگری همچون عملیات روانی رسمی و غیر رسمی، عملیات روانی ابتکاری و کلاسیک عملیات روانی آشکار و پنهانی و دیگر بخش‌بندی‌ها است که در درجه بعدی اهمیت قرار دارند. (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۸)

عملیات روانی سه سطح دارد. آن سطوح عبارتند از:

سطح راهبردی^۱ (استراتژیک)، -- سطح عملیاتی^۲ -- سطح تاکتیکی^۳

دامنه فعالیت آن گسترده و متوجه تمام جمعیت‌ها می‌گردد. در هدف دور برد و در اجرا بطئی (کند) است. در زمره اهداف استراتژیک یک کشور محسوب می‌شود. -- کاربرد اصلی آن در شرایط عادی و صلح می‌باشد. در شرایط غیرعادی و جنگ پشتیبان قابل اتکایی برای

1-strategic level

2-operation level

3- tactical level

نیروی دریایی راهبردی و عملیاتی سازی عملیات روانی استراتژیک۱۰۵

دیگر اقدامات روانی است- با روش‌های مسالمت آمیز و کاملاً پنهان انجام می‌گیرد - مخاطبین آن توده‌ها، بدنه سازمان‌ها و تشکیلات می‌باشند. (رضایی، ۱۳۸۷: ۵۱)

اهداف عملیات روانی استراتژیک

تقویت و تحکیم دوستی میان کشورهای دوست و بی‌طرف جلب نظر افراد و نیروهای موثر کشورها از طریق بورس‌های تحصیلی، شرکت در همایش‌ها، از بین بردن میل جنگ جویی و متزلزل نمودن روحیه مردم و نظامیان کشورها، ایجاد تردید و دودلی میان مردم نسبت به رهبران خود، تحریک عناصر و گروه‌های ناراضی و آسیب‌پذیر، ایجاد نافرمانی و سرپیچی اجتماعی، طغیان و شورش در صورت اقتضاء پشتیبانی از گروه‌های مخالف در دولت مورد نظر است. (رضایی، ۱۳۸۷: ۵۱)

بسترهای مناسب عملیات روانی استراتژیک

زمینه‌های احساس حقارت و ناتوانی شرایط نامناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سرشکستگی و خفت تاریخی وجود اختلافات و دسته‌بندی‌های حاد سیاسی تعصبات شدید نژادی، قومی، دینی، مذهبی. اختلاف شدید طبقاتی تشتت آراء و نظرات میان قوا و مسئولان حکومت- احزاب، گروه‌ها و رسانه‌های تجدیدنظر طلب و وابسته. (رضایی، ۱۳۸۷: ۵۲)

اگر نیروی دریایی در خلال حضور خود در آب‌های آزاد و در اجرای ماموریت مبارزه با دزدان دریایی کشتی تجاری و یا نفتی یکی از کشورهای بی‌طرف و یا دوست و یا حتی دشمن را از نجات دهد، بدون شک این اقدام هم در افکار عمومی مردم آن کشور و هم در دیدگاه دولت‌مردان آن کشور مهم و سازنده تلقی خواهد شد. این اقدام در میان مردم و دولت کشورهای دوست تقویت دوستی و همکاری با جمهوری اسلامی ایران را سبب خواهد شد و در میان کشورهای دشمن نوعی ترس از قدرت دریایی جمهوری اسلامی را ایجاد خواهد کرد. ضمن این‌که این اقدام در میان افکار عمومی خودی سبب تقویت روحیه خودباوری و افزایش اعتماد به نفس و عزت عمومی خواهد گشت.

عملیاتی سازی عملیات روانی

عملیاتی سازی عملیات روانی به معنای از قوه به فعل درآوردن دانش عملیات روانی است. به مفهوم دیگر تعدد و تنوع تعاریف، اصول و تکنیکهای عملیات روانی، در کتب، مجلات و جزوات، به جز سردرگمی کارگزاران عملیات روانی چیز دیگری به همراه ندارد. لذا در عملیاتی سازی ابتدا سیستم یا محیطی که قرار است در آن عملیات روانی اجرا شود تشریح می شود، سپس اهداف و سیاست های عملیات روانی تدوین و مشخص می گردند و در نهایت استراتژی ها و تکنیک های رسیدن به مقصود توصیه می شود. عملیات روانی تنها می تواند با پشتوانه اقتصادی، سیاسی و نظامی به موفقیت دست یابد، لذا برای عملیاتی سازی عملیات روانی ضروری است علاوه بر موضوع تبلیغات و مشتقات آن، موضوعات سه گانه دیگر را نیز مدنظر قرار داد. (سیلان، ۱۳۸۲: ۲۰)

نشانگاه های عملیات روانی

منظور از نشانگاه های عملیات روانی، مخاطبان عملیات روانی است که به شش دسته تقسیم می شوند:

۱- افکار عمومی کشور هدف ۲- حاکمیت کشور هدف ۳- افکار عمومی کشور مبدأ ۴- سازمان های بین المللی ۵- دولت ها و افکار عمومی منطقه ۶- دولت ها و افکار عمومی فرامنطقه ای (سیلان، ۱۳۸۲: ۴۷)

در ادامه به توضیح موارد فوق پرداخته می شود. نخستین نشانگاه، افکار عمومی کشور مبدأ است. در حکومت های مردمی، دولت مردان خود را نمایندگان مردم می دانند لذا بدیهی است نخستین عمل در هر فعالیتی توجیه افکار عمومی کشور خود یا همان شهروندان باشد. اگر شهروندان نسبت به عمل دولت مردان نظر مساعدی داشته باشند، در تمامی مراحل پشتیبان دولت مردان خود خواهند بود و با آگاهی از این موضوع است که دیگر بهانه ای برای زیر سؤال بردن دولت مردان در عملیات روانی نیست. اما اگر افکار عمومی نظر مساعدی نسبت به فعالیت های مسئولین سیاسی نداشته باشد پس از مدتی باعث موضع گیری منفی افکار عمومی داخلی شده و شکست عملیات روانی محرز خواهد بود. نمونه بارز این ادعا را می توان در جنگ آمریکا علیه ویتنام مشاهده کرد که به علت فقدان همسویی افکار عمومی آمریکا با دولت آمریکا باعث خروج شرمسارانه ارتش این کشور از ویتنام شد.

دومین نشانگاه کلان، حاکمیت و افکار عمومی کشور هدف است. تفاوت این دو نشانگاه در عملیاتی سازی عملیات روانی خیلی زیاد بوده و شباهتی به یکدیگر ندارند. نشانگاه حاکمیت

کشور هدف از دو منظر مورد توجه است. نخست از نظرگاه فشارهای فیزیکی اقتصادی، نظامی و سیاسی (دیپلماتیک) است. این فشارها باعث ایجاد زمینه یا بحران‌هایی می‌شوند که در مرحله بعدی، کشور مبدأ می‌تواند براساس آن‌ها تبلیغات و عملیات روانی خود را اشاعه دهد. به این ترتیب در این مرحله، هم به فشارهای فیزیکی و هم فشارهای روانی توجه می‌شود.

افکار عمومی کشور هدف سومین نشانگاه است. هدف جنگ‌افروزان روانی ایجاد رفتار و نگرش مورد نظر و مطلوب در مخاطبان است که در بیشتر مواقع تغییر رژیم‌ها یا اصلاحات بنیادی در نظام‌های دیگر مدنظر است. برای ایجاد این تغییرات، بیشترین فعالیت‌ها در جدا کردن دولت از ملت‌ها و ناکارآمد نشان دادن دولت‌ها است، به این ترتیب سعی می‌شود براساس سوژه‌ها که همان دولت‌ها و عملکردهای آن‌ها است القائات تبلیغی - روانی انجام شود. لازم به ذکر است که در بیشتر موارد تصور بر این است که تبلیغات انجام شده برای نشانگاه افکار عمومی کشور هدف عملیات روانی است و کشورهای فاعل در صدد برمی‌آیند که با استفاده از تبلیغات مخالف، بر عملیات روانی حریف غلبه یابند. در صورتی که زمینه‌های فیزیکی پیش‌گفته؛ زمینه را آماده ساخته است و با ضد تبلیغ صرف نمی‌توان بر این گونه عملیات روانی غلبه کرد.

نشانگاه چهارم، افکار عمومی و حاکمیت‌های منطقه است. برای ایجاد فشار بر کشور هدف، مهم‌ترین بازیگران، شهروندان و حاکمیت‌های منطقه‌ای هستند که تبادلات بیشتری با کشور هدف دارند. هرگونه عکس‌العمل این نشانگاه‌ها تأثیر مستقیم بر کشور هدف دارد. به‌طور مثال اگر کشورهای یک منطقه تبادلات اقتصادی خود را محدود کنند باعث ایجاد رکود اقتصادی در بخشی از آن کشورها خواهد شد و یا اگر کشورهای منطقه در جهت بازدارندگی به تجهیز نظامی خود اقدام کنند، کشور هدف نیز ملزم به تجهیز تسلیحاتی خود است و کشور هدف در این خصوص بودجه‌گزافی را متحمل می‌شود، که خود فشار مضاعف برای تأثیرگذاری بلند مدت است. مضاف بر این، افکار عمومی هر منطقه، خود تأثیرات به‌سزایی در تعیین سیاست‌های کلان تمامی کشورهای آن منطقه دارد و در صورت خصومت‌آمیز بودن افکار عمومی در منطقه، سیاست‌های بازدارنده‌ای از سوی بازیگران منطقه‌ای اتخاذ خواهد شد؛ که در بلند مدت به نفع کشور هدف، نخواهد بود.

نشانگاه پنجم، افکار عمومی و حاکمیت‌های جهان است. امروزه در عرصه‌های ملی و حتی فراملی مهم‌ترین ملاک برای کنش‌های بین‌المللی، همسویی افکار عمومی جهان است، اگر افکار عمومی جهانی موافق انجام دادن یک عمل خاص از سوی کشوری نباشد، آن کشور اگر قوی هم باشد و آن عمل مورد نظر هم اموری مثل اشغال یا فعالیت‌های دیگر باشد، به دلیل عدم مشروعیت، در بلندمدت تداوم نخواهد داشت. نکته دیگر این که چون پشتوانه فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی افکار عمومی جهانی است خود قدرت اجرایی جداگانه و مستقل ندارد، بنابراین بیشتر کارپردازان عملیات روانی حرفه‌ای، علاوه بر تأثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی، به تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی نیز می‌پردازند.

نشانگاه ششم، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی‌اند. سازمان‌های بین‌المللی نیز از دو جنبه قابل توجه‌اند. اول این که این سازمان‌ها خود به تنهایی می‌توانند اقدامات عملی داشته باشند، مانند تصویب قطعنامه‌ای برای محاصره اقتصادی کشوری مانند عراق قبل از جنگ دوم خلیج فارس که این امر خود بزرگ‌ترین موفقیت در یک عملیات روانی همه‌جانبه محسوب می‌شود. جنبه دوم، مشروعیت‌بخشی به فعالیت‌های کشور مهاجم است. به این مفهوم که تصویب قطعنامه‌هایی علیه کشور هدف، خود توجیه یا مشروعیت‌بخشی برای اعمال کشور مبدأ است نمونه بارز آن محکومیت تروریسم در سازمان ملل است که موجب توجیه حمله نظامی امریکا به افغانستان شد. (سیلان، ۱۳۸۲: ۴۸)

اثر فشارهای عملی و روانی بر نشانگاه‌ها

برای هر یک از نشانگاه‌ها برنامه‌ها و شیوه‌های خاص عملیات روانی به کار گرفته می‌شود. ابزارهای روابط بین‌الملل عبارتند از ۱- سیاسی - دیپلماسی ۲- اقتصادی ۳- نظامی ۴- تبلیغاتی

فشارهای عملی: این فشارها شامل ابزارهای سه‌گانه: سیاسی - دیپلماسی، نظامی و اقتصادی است. کشور هدف و کارگزاران عملیات روانی سعی می‌کنند با فشارهای سه‌گانه مذکور، کشور هدف را با مشکلات و بحران‌هایی مواجه سازند و سپس بر اساس پیامدهای فشارهای مذکور، به‌عنوان سوژه‌های از عملیات روانی بهره ببرند.

فشارهای تبلیغاتی - روانی: این فشارها شامل سوء استفاده از موضوعات به‌دست آمده در مرحله قبلی است. در این مرحله کارگزاران عملیات روانی با استفاده از انواع و اقسام تمهیدات و ترفندهای تبلیغاتی، وجهه حاکمیت مورد نظر را مخدوش می‌سازند و فاصله بین مردم و

مسئولان و یا حاکمیت با سطح جهان را افزایش می دهند و از آن امتیاز کسب می کنند. (زورق، ۱۳۶۸، ۷۳ - ۶۹)

عوامل مؤثر در عملیاتی سازی عملیات روانی استراتژیک

۱- امکانات و تجهیزات کشور مبدأ: امکانات کارگزاران عملیات روانی، از عوامل مؤثر در عملیاتی سازی عملیات روانی است، بعضی از کارشناسان تنها براساس دانش محض و یا موجود عملیات روانی، برنامه ریزی خیالی عرضه می کنند که در عمل نیز شکست می خورند، لذا ضروری است در عملیاتی سازی، در مرحله اول عوامل عملی فشار بر کشور هدف اعمال گردد و سپس بر اساس پیامدهای آن فشارها، عملیات روانی یا تبلیغاتی با تجهیزات مناسب استوار گردد.

۲- وضعیت کشور هدف: وضعیت کشور هدف از دو جنبه قابل توجه است. اول نقاط ضعف و آسیب قابل بهره برداری در عملیات روانی و دوم امکانات و تجهیزات ضد تبلیغی آنها است. نقاط ضعف و آسیب می تواند هم در اثر فشارهای بیرونی و هم در اثر ناکارآمدی داخلی باشد. در عملیات روانی، کارگزاران عملیات روانی هر دو را به مسئولان کشور هدف نسبت می دهند و مسئولان نیز هر دو را به عوامل بیرونی؛ که هر دو نوع استدلال باعث موفقیت عملیات روانی کشور مبدأ و عدم اصلاح و بهبود آسیبها است که در صورت تفکیک می توان با عملیات روانی مقابله کرد. اما امکانات ضد تبلیغی کشور هدف خود از مواردی است که می تواند عملیات روانی را با مشکل مواجه سازد، مثلاً شاید کشوری از لحاظ اقتصادی و نظامی ضعیف باشد اما در زمینه های دیپلماتیک و تبلیغی بتواند خلأهای دیگر را پوشش دهد و فشارهای نظامی و اقتصادی را به حداقل برساند که محاسبه این امور در عملیاتی سازی عملیات روانی و همچنین نظامی و اقتصادی ضروری است. (سیلان، ۱۳۸۲: ۲۹)

نتیجه گیری

موقعیت ممتاز ایران در جغرافیای جهان، موجب شده که از دیرباز تاکنون، مرکز توجه قدرت های سلطه جوی خارج از منطقه باشد، تا به هر نحوی از انحاء آن را در سیطره خود داشته و از این راه تسلط خود را بر خلیج فارس، تنگه هرمز و ثروت های خدادادی آن که بیش از ۶۰ درصد انرژی (نفت و گاز) جهان را در خود جای داده است، تثبیت نمایند. قدرت هایی مانند آمریکا، روسیه، چین و هند در رهنامه سیاسی و نظامی خود توجه ویژه ای

به منطقه دریای عمان و اقیانوس هند و نیز افزایش قدرت دریایی خود دارند و معتقدند برای از بین بردن تهدیدات خود باید در چنین مناطقی با دشمن درگیر شوند نه در ساحل و مرزهای خود. که در این بین حضور و نفوذ آمریکا در منطقه به واسطه‌ی مسائل به وجود آمده پس از یازده سپتامبر و نیاز روزافزون به منابع انرژی، پررنگ‌تر از سایر رقیبان است.

تأکید فرماندهی معظم کل قوا بر حضور قدرت‌مند نیروی دریایی در آب‌های آزاد و تنگه باب‌المندب و فراتر از مدار ۱۰درجه است. این حضور به معنی حضور در حریم دریایی ایالات متحده آمریکاست از حساسیت‌های موجود در خلیج فارس خواهد کاست، به این دلیل که خلیج فارس یک محیط بسته امنیتی نیست و امنیت آن از ثبات و بی‌ثباتی حوزه‌های مجاور، خاورمیانه عربی، آسیای جنوب غربی، آسیای صغیر، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، شمال آفریقا و سایر سازه‌های ژئوپلیتیکی متأثر است.

برآورد تهدیدها و راهبردهای دفاعی مقابله با آنها نشان داده است که یکی از خطرناک‌ترین محورهای تهدید منافع جمهوری اسلامی ایران از طریق دریا می‌باشد و همچنین موثرترین پاسخ ما به دشمن که بازدارندگی را سبب خواهد شد می‌تواند در دریا صورت گیرد. لذا نقش یگان‌های شناور روز به روز افزایش یافته و این امر می‌طلبد که مسئولین تلاش نمایند، قدرت دریایی کشور را ارتقاء و یگان‌های شناور نداجا نیز به اهمیت و ارزش حضور خود در دریای عمان و اقیانوس هند واقف باشند.

جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد سیادت دریایی خود را در دریای عمان حفظ کند، باید کنترل موثری بر دریاهای خود داشته و در آب‌های آزاد حضور فعال داشته و برتری تاکتیکی جهت ایجاد امنیت، آزادی کشتیرانی و عبور بی‌ضرر برای کلیه کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان داشته باشد.

توجه دولت‌مردان و فرماندهان نظامی ایران به این نکته ضروری است، که منافع ملی ج.ا.ا در چارچوب قدرت تعیین می‌گردد و قدرت نظامی بیشترین ابزار قدرت را در اختیار دارد و از این رو عمده‌ترین عنصر قدرت ملی محسوب می‌شود. به لحاظ حضور نیروی دریایی راهبردی ایران در آب‌های دور دست که می‌تواند به یکی از ابزارهای قدرت تبدیل گردد، عمق استراتژیک کشور افزایش یافته و این حضور استراتژیک می‌باید مجری مأموریت‌های استراتژیک نیز باشد. یکی از مأموریت‌هایی که نیروی دریایی راهبردی می‌تواند در خلال برنامه‌های خود اجرا نماید، عملیات روانی استراتژیک است.

حضور در سواحل و آب‌های آزاد، فراتر از مدار ۱۰ درجه شمالی فرصت بسیار مناسبی جهت نیروی دریایی ایران که یکی از اهرم‌های اصلی قدرت نظامی است، به‌وجود آورده است تا با بهره‌گیری از کاربردهای قدرت دریایی مانند عملیات حفظ صلح- عملیات برعلیه دزدان دریایی- کمک نظامی به نیروها و وزارت‌خانه‌های غیرنظامی- کمک‌های انسان‌دوستانه و امدادی- عملیات برای ایجاد صلح و آرامش- عملیات جستجو و نجات- کمک نظامی به نهادهای غیرنظامی- کمک به کشورهای خارجی و مشترک‌المنافع و بر اساس آموزه‌های عملیات روانی استراتژیک علاوه بر این که منافع ملی در داخل را تامین نماید، بتواند برای تأثیرگذاری بر رفتارها، باورها و نگرش‌های خارجی، افکار عمومی کشور هدف، حاکمیت کشور هدف، افکار عمومی کشور مبدأ، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها و افکار عمومی منطقه در راستای اهداف و منافع ج.ا.ا. انجام وظیفه نماید و جوامع ذکر شده را متأثر از آرمان‌ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران نماید.

اگر جمهوری اسلامی ایران بخواهد از حضور نیروی دریایی خود در آب‌های آزاد بهره استراتژیک برد ناگزیر است چه از لحاظ تجهیزاتی و چه از لحاظ توجه به نیروی انسانی و آموزش آن‌ها پشتیبانی بنماید.

در نتیجه عملیاتی سازی عملیات روانی استراتژیک توسط نیروی دریایی راهبردی با شروط زیر امکان‌پذیر است:

۱- مد نظر قرار دادن دیدگاه‌های فرماندهی معظم کل قوا توسط همه دستگاه‌ها در رابطه با نیروی دریایی راهبردی

۲- توسعه تفکر دریا محور در همه دستگاه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی کشور

۳- پشتیبانی قاطع دولت از نیروی دریایی در تهیه امکانات، تجهیزات و ارتقاء سطح روحیه کارکنان

۴- پشتیبانی قاطع ستاد کل نیروهای مسلح از نیروی دریایی راهبردی

۵- پشتیبانی کامل ارتش جمهوری اسلامی ایران از برنامه‌های نیروی دریایی جهت نقش-آفرینی در راستای منافع ملی

۶- پشتیبانی هدفمند صدا و سیما از ماموریت‌های نیروی دریایی

۷- برخورداری نیروی دریایی از کارکنان کیفی همراه با آموزش عالی و تفکر دریامحور و نیز تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته

۸- ارایه راهکارهای تبلیغی و عملی برای مقابله با عملیات روانی انجام شده با همکاری همه دستگاه‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی کشور

۹- ایجاد دستگاه هماهنگ‌کننده بین تمام ارکان کشور برای اجرای عملیات روانی استراتژیکی

۱۰- بهره‌گیری از نیروهای متخصص در اجرای عملیات روانی در دستگاه هماهنگ‌کننده

۱۱- بهره‌برداری ناوگان‌های دریایی از تیم‌های عملیات روانی متخصص و همراهی آن‌ها در مأموریت‌ها

۱۲- شناسایی و بهره‌گیری از توانمندی افراد، اقوام و یا سازمان‌هایی که در جوامع هدف به آرمان‌های ج.ا.ا. وفادار هستند. بنابراین با توجه به این که یکی از محورهای خطرناک تهدید بر علیه جمهوری اسلامی ایران از سمت دریا است، اگر نیروی دریایی در کنار سایر مأموریت‌های خود قادر باشد عملیات روانی استراتژیکی را عملیاتی نماید، نه تنها توانسته است تهدیدها را خنثی نماید بلکه فرصت ارزشمندی برای تأمین منافع ملی نصیب کشور نموده است.

فهرست منابع:

- ۱- آقاجانی، دکتر احمد، عسگری، محمود، پائیز (۱۳۸۹)، قدرت افکنی هند و ملاحظه امنیتی برای ج.ا.ا، مرکز تهران، مطالعات راهبرد دفاعی، ش ۳۰
- ۲- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۴)، مسایل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، سمت،
- ۳- بلوچی، دکتر حیدر علی، (۱۳۸۹) جایگاه اسناد ملی در سیاست گذاری دفاعی کشورها، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۲۲
- ۴- بلوچی، دکتر حیدرعلی، (۱۳۸۹) قدرت افکنی چین، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۳۰
- ۵- بوش، جرج، (۱۳۸۶)، سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران
- ۶- حسینی، دکتر حسین (۱۳۷۲)؛ مجموعه مقالات تبلیغات و عملیات روانی؛ تهران؛ انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۷- دیوسالار، عبدالرسول، پاییز (۱۳۸۷)، نقش رهنامه‌ی نظامی در تحقق اهداف رهنامه‌ی سیاست خارجی روسیه، تهران؛ فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، ش ۲۲
- ۸- رضایی، بهرام، (۱۳۸۷)، عملیات روانی، تهران، دافوس آجا
- ۹- روزنامه ایران ۱۳۹۰/۵/۵، ص ۲
- ۱۰- روشندل، جلیل (۱۳۸۸) امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران، سمت
- ۱۱- زورق، حسن (۱۳۶۸)؛ مبانی تبلیغ؛ تهران؛ انتشارات سروش.
- ۱۲- سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۲) عملیات روانی در اشغال عراق؛ تهران؛ انتشارات اداره کل پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما ج ۱۱
- ۱۳- سلطانی فر، محمد؛ هاشمی، شهناز (۱۳۸۲) پوشش خبری؛ تهران، انتشارات سیمای شرق
- ۱۴- سلیمانی پورلک، دکتر فاطمه، پاییز (۱۳۸۷) راهبرد امنیتی دفاعی چین، عوامل و روندها، تهران؛ فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، ش ۲۲
- ۱۵- شیرازی، محمد (۱۳۷۶) عملیات روانی و تبلیغات [مفاهیم و کاربردها]؛ انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۶- طحانی، غلامرضا، پاییز (۱۳۸۸) کاربرد قدرت دریایی، تهران؛ فصلنامه علوم و فنون نظامی، دافوس آجا، ش ۱۴
- ۱۷- گالبرایت، جان کنت، (۱۳۸۱) آناتومی قدرت، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، سروش
- ۱۸- متقی، ابراهیم، پاییز (۱۳۸۷) تحول در راهبرد دفاع ملی آمریکا، تهران؛ فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، ش ۲۲

۱۱۴.....فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۹

۱۹- ملازهی، دکتر پیر محمد، (۱۳۸۴) همشهری دیپلماتیک - ۲۲ مرداد - August 2005 - شماره ۶۰

۲۰- مورگنتا، هانس (۱۳۷۴) سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل

۲۱- مرشایمر، جان، (۱۳۸۸) تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامرضا چگنی زاده، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل

22- Bush, George (2002) u.s NATIONAL SECURITY STRATEGY
Washington white house

23- Pant, harsh (2005) india's nuclear doctrine and command structure
comparative strategy

24- Scott, david (winter 2007-08) india's driver for a blue water journal of
military

25- <http://www.experian.com/strategy> management decisioning solution=



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی